

همایش بزرگداشت علامه سید محمدحسین حسینی طهرانی (رحمت الله علیه)

آیت الله شیخ علی رضایی تهرانی

موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام

۱۳۹۲/۰۹/۲۱ هجری شمسی

۱۴۳۵/۰۲/۰۹ هجری قمری

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ وَاللَّعْنُ الدَّائِرُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ؛»

عنوانی که برای صحبت بنده در این مجلس محترم در نظر گرفته شده "نوآوری های حکمی و عرفانی مرحوم علامه {حسینی} طهرانی" است.

دو یا سه مقدمه کوتاه عرض کنیم و بعد بحث را پی بگیریم.

سخن گفتن در این همایش برای بنده کاری دشوار است و این دشواری به دو جهت است؛ جهت اول، مرحوم علامه حسینی طهرانی عارفی کامل و سالکی سوخته بودند. سخن گفتن از اهل معرفت، به ویژه شخصیتی که در پیام مقام معظم رهبری، دوازده فضیلت برای ایشان ذکر شده، کار آسانی نیست. همان طور که گفته اند: "انجا که عقاب پر بریزد، از پشه لاغری چه خیزد؟" سخن گفتن درباره چنین شخصیتی، به راستی دشوار است.

جهت دوم، بنده سالها ارادت ویژه ای نسبت به ایشان داشته ام و برای مریدی که سالها در محضر چنین شخصیتی بوده، سخن گفتن به گونه ای که قضاوت بی طرفانه باشد و ارادت در کلامش جلوه نکند، کار آسانی نیست. مقدمه دوم، در میان دانشمندان اسلامی، هنگامی که می خواستند از کسی تعریف کنند، از عبارت "جامع المعقول و المنقول" استفاده می کردند. اما امثال مرحوم علامه طهرانی نه تنها "جامع المعقول و المنقول" بودند، بلکه "جامع المشهود" نیز بودند. یعنی ایشان در عقل، نقل و شهود به کمال رسیده بودند. طبیعی است که واکاوی شخصیت چنین افرادی بسیار ضروری، اما درعین حال بسیار دشوار است.

مرحوم علامه طهرانی از کسانی بودند که اگر به علمشان نگاه می کردی، گویی در غیر ساحت علم گامی برنداشته اند و اگر به عملشان نظر می افکندی، تصور می کردی که در غیر ساحت عمل قدمی نزدند. چنین شخصیت هایی در تاریخ اندک اند.

در دستورات مرحوم حداد (اعلی الله مقامه) که به ایشان داده بودند، نوشته بودند: هر شب سه ساعت خلسه بدون یک خطره.

فهمش نیز برای ما سخت است چه رسد به تصور آن و عمل به آن!

انسان این چنینی را وقتی نگاه می کنیم گویا فقط عمل داشته و دیگر فقه نمی داند.

خودم شنیدم از مرحوم علامه سید عزالدین زنجانی (رحمة الله علیه) فرمودند: خدمت مرحوم آقای شاهرودی بودم در نجف یکی از خانواده مرحوم آقای طهرانی آمدند (البته مردد شدند که همسر ایشان بودند یا مادر ایشان) مجدانه از مرحوم آقای شاهرودی می خواستند که شما استاد ایشان هستید به ایشان امر کنید که کمتر ریاضت بکشند، ایشان دارند از شدت ریاضت خودکشی می کنند!

نکته سوم، مرحوم علامه طهرانی در بسیاری از علوم، نوآوری های چشمگیری داشتند. حتی در مجلس شورای اسلامی (که پیش تر مجلس شورای ملی نامیده می شد)، اختراع ایشان به نام خودشان ثبت شده و تا به امروز باقی است.

در دانش هایی مانند تجوید که در حوزه های علمیه گاه چندان جدی گرفته نمی شود، ایشان نظرات بدیع و ابداعاتی

- داشتند. به‌عنوان مثال، ایشان ادغام "دال" در "جیم" را در موارد سکون واجب می‌دانستند. مقدمه چهارم، نوآوری در عرصه دانش، گونه‌های مختلفی دارد. بنده از بالاترین سطح شروع می‌کنم؛
۱. تاسیس یک رشته یا گرایش علمی جدید؛ مانند ایجاد یک رشته نوین در دانشگاه.
 ۲. تاسیس یک سیستم جدید در یک دانش؛ مانند حکمت متعالیه در فلسفه یا سبک تدبر در تفسیر.
 ۳. تاسیس یک باب جدید در یک دانش؛ مانند کاری که مرحوم علامه طباطبایی در حکمت انجام دادند و باب جدیدی در فلسفه با عنوان «الموجود اِما حقیقی و اِما اعتباری» گشودند.
 ۴. تاسیس یک مسئله جدید در یک علم؛
 ۵. ارائه تقریری جدید از یک مطلب که به تکمیل یا تحکیم آن بینجامد؛
 ۶. اقامه دلیل و برهان جدید یا نقد جدید.

همه این‌ها مصادیق نوآوری و ابداع هستند که دانشمندان ما در سطوح مختلف به آن پرداخته‌اند. مرحوم علامه در ساحت‌هایی مشتهرند مثل حکمت و فقه که در این ساحت‌ها انصافاً ابداع و ابتکار کار سختی است. سرّ مطلب هم روشن است؛ زیرا هرچه علم سابقه بیشتری داشته باشد و از طرف فرهیختگان و نوابغ بیشتری چکش خورده باشد، اظهارنظر و ابداع در آن کار آسانی نیست؛ مثل علم اصول فقه امروز. مقدمه پنجم، آنچه در این مجلس محترم عرض می‌کنم، در حد توصیف و گزارش است؛ اگر بخواهیم هر یک از این مبانی و ابداعات را به تفصیل بررسی کنیم، به جلسات مفصل‌تری نیاز خواهد بود.

ابداعات حکمی مرحوم علامه طهرانی

۱. بحث فعلیت کل عالم؛ در جلد پنجم کتاب "معاد شناسی"، صفحه ۱۰۵، ایشان به این موضوع پرداختند که تقسیم موجود به "بالقوه" و "بالفعل" تقسیم درستی نیست و این تقسیم‌بندی ناشی از ضعف ادراک انسان است. اگر هر چیزی در ظرف خود موجود است و هر آنچه موجود است، معدوم نمی‌شود و «الشیء لا ینقلب عما هو علیه»، پس باید فعلیت را در سراسر عالم گسترده دید.^۱ ایشان با مثال مرحوم شیخ بهایی این موضوع را توضیح دادند؛ اگر مورچه‌ای از پنجره‌ای کوچک به ریسمانی با رنگ‌های مختلف نگاه کند، هر بار یک رنگ را می‌بیند، اما کسی که از بالا به ریسمان نگاه می‌کند، تمام رنگ‌ها را یک‌جا مشاهده می‌کند و ماضی و مضارع و استقبال ندارد. این بحث می‌تواند نگاه حکمت صدرایی به قوه و فعل را با بازخوانی جدیدی مواجه کند.
۲. حقیقت زمان؛ ایشان در جلد پنجم و هشتم "معاد شناسی" به این موضوع پرداختند که زمان تابع ظرف ادراک انسان است. اگر انسان نبود، زمان نیز وجود خارجی نداشت. به عبارت دیگر، زمان برآیندی از تعامل عین و ذهن است. ایشان در جلد هشتم، صفحه ۲۵۵، با ارائه حدود ده شاهد، این نظریه را تقویت کردند که زمان وجود خارجی ندارد و تابع ادراک انسان است نه به گونه‌ای که حالا در فلسفه هگلیسم مطرح است. اگر انسان به مرحله "دهر" و "سرمد" برسد، زمان برای او بی‌معنا خواهد بود.^۲
۳. تغییر نگاه در قیامت؛ آیات قرآن بیان می‌کند که در هنگامه قیامت جهان آفرینش دگرگون می‌شود؛ «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ».^۳ ایشان معتقد بودند که آسمان و زمین مگر چه گناهی کرده است پس در قیامت، جهان طبیعت نابود نمی‌شود، بلکه نگاه انسان تغییر می‌کند. آنچه در دید اولیای خدا الان محقق است، جنبه "وجه الربّی" موجودات است، نه "وجه الخلقی" آن‌ها. اگر کسی به جنبه "وجه الربّی" موجودات بنگرد، همین‌الان خورشید در نظرش متلاشی می‌شود و کوه‌ها مانند ابر به نظر می‌رسند. این تفسیر جدیدی از نظام تکوین است.^۴

۴. تفسیر صفات الهی؛ ایشان نظریه جدیدی درباره صفات جمال و جلال الهی ارائه کردند. برخلاف نظر مشهور که صفات ثبوتی را همان صفات جمالی و صفات سلبی را همان صفات جلالی می‌دانند، ایشان معتقد بودند که صفات جلال، شدت صفات جمال است پس نسبت بین آنها ترادف نیست بلکه مصداقاً عموم و خصوص من وجه هستند. به عنوان مثال، نور خورشید که به این میزان مطبوع و مطلوب است اگر در عمود آن بالا رویم همه چیز را می‌سوزاند. این تفسیر جدیدی از صفات الهی است که نقدی بر نظرات مرحوم صدرا و حاج ملاهادی سبزواری محسوب می‌شود.

۵. معاد جسمانی عنصری؛ ایشان در جلد ششم "معاد شناسی"، با هفت مقدمه، نظریه معاد جسمانی عنصری را تقویت کردند و کاستی‌های نظریه مرحوم ملاصدرا در این زمینه را ترمیم نمودند.^۵ این نظریه با نگاه ایشان به زمان و قوه و فعل گره خورده است و اینکه هیچ چیز در عالم نابودشدنی نیست و هر چیزی در زمان خودش موجود است و موجود می‌ماند؛ چون اجتماع نقیضین معنا ندارد اگر من ساعت شش و نیم تا هفت اینجا دارم صحبت می‌کنم این ماندگار است و لو ده میلیارد سال بعد! پس از بین رفتنی نیست چون نمی‌شود در این ظرف هم باشد هم نباشد. ایشان انصافاً برای این نظریه تأمل کردند و وقت گذاشتند و زحمت کشیده‌اند.

ابداعات عرفانی مرحوم علامه طهرانی

۱. نظریه احراق؛ این نظریه که اولین بار توسط ایشان مطرح شد گرچه مرحوم {سیدعلی} قاضی (رحمت‌الله‌علیه) فرموده بودند و مرحوم علامه طباطبایی (رحمت‌الله‌علیه) تقریر کردند اما اولین بار که در جهان عرفان توسط ایشان مطرح شد، در مسئله نیت در سلوک عرفانی می‌پردازد. سالک وقتی می‌خواهد از نیت بگذرد، در یک پارادوکس قرار می‌گیرد، "من نیت می‌کنم که از نیت بگذرم" لذا نمی‌توانم از نیت بگذرم و این مرحله رد شدنی نیست؛ ایشان این مسئله را با نظریه احراق حل کردند.^۶

۲. عدم بقای اعیان ثابته؛ ایشان در مناظره با مرحوم علامه طباطبایی (رحمت‌الله‌علیه) در کتاب "مهر تابان"، نظریه عدم بقای اعیان ثابته در حال فنا را مطرح کردند و به هویت جدید عارف در عالم بقا پرداختند.^۷ گرچه در پایان بحث تنزلی دارند؛ ولی مشخص است که این تنزل بر اساس تأدب است. اینکه ما در عالم بقا هویت جدیدی برای عارف داریم و اصلاً هویت، هویت قدیمی نیست برای اولین بار توسط ایشان مطرح شده است.

۳. نظریه استضعاف؛ ایشان معتقد بودند که برخی از اولیا ممکن است به دلیل سبک زندگی و مبانی که داشته است در برخی مسائل مستضعف باشند. این نظریه کلیدی برای حل مسئله اختلافات مذهبی در عرفان است. مثل محی‌الدین در جریانی مثل متوکل ایشان می‌گویند چه اشکالی دارد مستضعف باشد! بزرگواری در کشور داریم، حاج‌آقای توحیدی، در مسائل کلامی خیلی کار کرده است و با بزرگان اهل سنت خیلی ارتباط دارد به من می‌گفتند: فلانی من تا زمانی که با این افراد ارتباط نداشتم خیال می‌کردم اهل سنت عوامشان مستضعف‌اند و خواصشان معاندند به اینها که نزدیک شدم دیدم خواصشان نیز مستضعف‌اند! خواص مستضعف یعنی اصلاً تصور نمی‌کند! مثل خود ما در بعضی از مسائل مستضعفیم نسبت به اینکه بعضی از ائمه اربعه اهل سنت برای دفاع از برخی از اهل بیت (علیهم‌السلام) شلاق خوردند و زندان رفتند، می‌گوییم دروغ است! از ائمه اربعه اهل سنت است؛ ولی از قیام زید بن علی بن الحسین دفاع کرده و زندان رفته و شلاق خورده است!

۴. شیعه شدن عرفا از باطن؛ ایشان بر این نظر تأکید داشتند که برخی عرفا مانند عطار نیشابوری، از باطن شیعه شده‌اند.

۵. اتحاد استاد سلوک و مرجع تقلید؛ ایشان معتقد بودند که بهتر است استاد سلوک و مرجع تقلید یکی باشند.

۶. عدم جواز تقلید از میت؛ ایشان بر این نظر پایبند بودند که تقلید از مرجع تقلید فوت‌شده، چه در فقه اصغر و چه در فقه اکبر، جایز نیست. و به همین دلیل با شاگردان مرحوم آیت الله انصاری اختلاف داشتند.

۷. تبیین نظریه وصی ظاهر و باطن این هم برای اولین بار توسط ایشان {بنا نهاده شد}.^۸

۸. «خَتَامُهُ هَمْسَكٌ»، تبیین نسبتاً دقیق حالات یک انسان کاملی که اسفار اربعه او تکمیل شده از آخرین مراحل سفر اول تا سفر چهارم؛ تا میزانی که من گشتم در کتب عرفانی مخصوص روح مجرد است و جای دیگر ندیدیم؛ یعنی اینکه حالات یک انسان کامل را که وقتی مرحوم علامه حسینی طهرانی به مرحوم حداد رسیدند (و شاگرد ایشان شدند) اواخر سفر اول تا پایان سفر چهارم است و این را دقیق گزارش کردند؛ کار ایشان به عنوان یک ابداع است ۱۰.

مقام معظم رهبری فرموده بودند: سید محمدحسین به‌عنوان یک تحفه کتاب روح مجرد را برای ما باقی گذاشتند و رفتند. آقای لولاچیان نیز فرمودند من کتاب روح مجرد را دست مقام معظم رهبری چند بار دیدم عرض کردم: آقا شما چند بار تا حالا این کتاب را خواندید؟ فرمودند: هفت بار تا کنون خوانده‌ام. علامه طهرانی با ابداعات گسترده در حوزه‌های حکمت، عرفان و فقه، شخصیتی بی‌نظیر بودند. برای سلامتی این بزرگ (مقام معظم رهبری) و نثار روح آن بزرگ (علامه سید محمدحسین حسینی طهرانی) هدیه کنید صلوات بر محمد و آل محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم).

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

فهرست منابع

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک به حسینی طهرانی، محمدحسین، و موسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلام. ۱۴۲۷. معاد شناسی (طهرانی). ۱۰ ج. مشهد مقدس - ایران: نور ملکوت قرآن، ج ۵، ص ۱۰۵.
۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک به حسینی طهرانی، محمدحسین، و موسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلام. ۱۴۲۷. معاد شناسی (طهرانی). ۱۰ ج. مشهد مقدس - ایران: نور ملکوت قرآن، ج ۸، ص ۲۵۵.
۳. سوره تکویر، آیه ۱-۶.
۴. برای مطالعه بیشتر ر.ک به حسینی طهرانی، محمدحسین، و موسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلام. ۱۴۲۷. معاد شناسی (طهرانی). ۱۰ ج. مشهد مقدس - ایران: نور ملکوت قرآن، ج ۵، ص ۷۸.
۵. برای مطالعه بیشتر ر.ک به حسینی طهرانی، محمدحسین، و موسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلام. ۱۴۲۷. معاد شناسی (طهرانی). ۱۰ ج. مشهد مقدس - ایران: نور ملکوت قرآن، ج ۶، ص ۱۸۰ - ۲۱۲.
۶. حسینی طهرانی، محمدحسین. ۱۴۲۶. رساله لب اللباب در سیر و سلوک اُولی الألباب. ۱ ج. مشهد مقدس - ایران: علامه طباطبایی، ص ۱۲۹.
۷. برای مطالعه بیشتر ر.ک به حسینی طهرانی، محمدحسین. ۱۴۲۶. مهر تابان. ۱ ج. مشهد مقدس - ایران: نور ملکوت قرآن، ص ۲۴۲.
۸. حسینی طهرانی، محمدحسین. ۱۳۸۷-۱۴۲۹. روح مجرد. ۱ ج. مشهد مقدس - ایران: علامه طباطبایی، ص ۴۸۹.
۹. سوره مطففین، آیه ۲۶.
۱۰. برای مطالعه بیشتر ر.ک به حسینی طهرانی، محمدحسین. ۱۳۸۷-۱۴۲۹. روح مجرد. ۱ ج. مشهد مقدس - ایران: علامه طباطبایی.